

## نقدی بر فرهنگ ۶ جلدی پیشرو آریان پور

علی خزاعی فر



دکتر منوچهر آریان پور کاشانی

فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی تألیف مرحوم عباس آریان پور کاشانی در سال ۱۳۴۲ در ۵ جلد به چاپ رسید. مأخذ اصلی این فرهنگ The Shorter Oxford Dictionary و مأخذ کمکی آن Webster's New International Dictionary بود. ناشر، این فرهنگ را که از حیث کثرت مدخل‌ها در زمان خود و تا سالها پس از آن بی‌رقیب بود به رغم کاستی‌ها و خطاهای آشکارش از نظر علمی و فرهنگ‌نویسی بدون هیچ تجدید نظری بارها و سالها منتشر کرد. در واقع استقبال عامه از فرهنگ ۵ جلدی و موفقیت تجاری آن مرهون دو چیز بود، یکی بی‌رقیب بودن آن و دیگری "کامل" بودن آن. فرهنگ ۵ جلدی در مدت ۳۵ سال فقط زینت بخش قفسه‌ها

نبود بلکه هر چند در بسیاری از موارد جستجوگر را گیج و گمراه کرده، در غالب موارد مرجعی راهگشا بوده. پس، برای ادای دین به مؤلف و دفاع از این فرهنگ باید گفت که این فرهنگ در زمانی نوشته شده که بسیاری از علوم بخصوص علوم انسانی فرهنگ‌های تخصصی دوزبانه نداشته‌اند و بدیهی است اعتبار فرهنگ‌های جامعی مثل فرهنگ ۵ جلدی تاحدی به اعتبار فرهنگ‌های تخصصی بستگی دارد که از آنها تغذیه می‌کند. برای پی بردن به اهمیت این نکته کافی است به فهرست منابع انگلیسی - فارسی تخصصی که در دو فرهنگ ۵ جلدی و ۶ جلدی مورد استفاده قرار گرفته‌اند نگاهی بیاندازیم. در فرهنگ ۵ جلدی مؤلف در بسیاری از موارد به جای آوردن معادل ترجمه‌ای واژه‌ای تخصصی، آن را تعریف کرده است. به عبارت دیگر، عین توضیحات را از روی فرهنگ تک زبانه که اساساً مدخلها را تعریف می‌کند ترجمه کرده است. کمبودها و نقص‌های آشکار فرهنگ ۵ جلدی، بخصوص در زمینه تفکیک معانی مدخل‌ها، همیشه این احساس را در محققان علاقه‌مند به فرهنگ نگاری ایجاد می‌کرد که جای فرهنگی دوزبانه خالی است. این احساس آنقدر قوی بوده که در ده پانزده سال اخیر تلاش‌های چشمگیری در زمینه تألیف فرهنگ دوزبانه صورت گرفته است. اما این تلاشها از حد فرهنگ‌های دوزبانه یک جلدی و دو جلدی فراتر نرفته و حالا دکتر منوچهر آریان پور کاشانی با انتشار فرهنگ پیشرو آریان پور در ۶ جلد امیدوار است که این جای خالی

را پر کرده باشد.

فرهنگ ۶ جلدی در مقایسه با فرهنگ ۵ جلدی جهشی بلند به جلو محسوب می‌شود. از طراحی و چاپ زیبای آن و نیز برخی تغییرات ظاهری که بگذریم، در تک تک مدخل‌ها تجدید نظر صورت گرفته، معادلها دقیق‌تر و متنوع‌تر شده، تعدادی از مدخلها حذف و تعداد بسیاری مدخل اضافه شده. در ادامه مقاله به برخی ویژگیهای عمده فرهنگ ۶ جلدی اشاره می‌کنم. نخست توضیحی در مورد منبع اصلی فرهنگ. در فرهنگ نویسی از دیر باز دو سنت متفاوت وجود داشته است، یکی سنت واژه‌نگاری محض، دیگری سنت التقاطی که آمیخته‌ای از سنت واژه‌نگاری و سنت دایرةالمعارف نویسی است. در سنت واژه‌نگاری محض، فقط کلمات عام زبان تعریف می‌شوند و واژه‌های تخصصی حرفه‌ها و علوم مختلف که متعلق به همهٔ جوامع است و نیز اسامی خاص به فرهنگ راه پیدا نمی‌کنند. در سنت التقاطی، علاوه بر واژگان عام زبان، اطلاعاتی هر چند مجمل دربارهٔ اشخاص، وقایع تاریخی، اسامی مکانها و نیز واژگان پر بسامد علوم مختلف نیز در فرهنگ گنجانده می‌شود. برخی فرهنگ‌ها بخصوص فرهنگ‌های آموزشی بر اساس سنت واژه‌نگاری محض و برخی دیگر بخصوص فرهنگ‌های جامع بر اساس سنت التقاطی نوشته می‌شوند. فرهنگ ۶ جلدی که منبع اصلی آن *Webster's New World Dictionary (1997)* است در دسته دوم جای می‌گیرد، یعنی فرهنگ ۶ جلدی هم فرهنگ واژگان زبان انگلیسی است و هم دایرةالمعارفی کوچک. بسیاری از مدخل‌های این فرهنگ در فرهنگ‌های تخصصی علوم نیز پیدای می‌شود هر چند که عکس آن صادق نیست. این همان مشکلی است که فرهنگ‌نویسان همیشه با آن روبرو بوده‌اند و آن تعیین معیار برای انتخاب و گنجاندن واژه‌های تخصصی علوم در فرهنگ جامع است. شاید در آینده سنت واژه‌نگاری محض بر سنت التقاطی غلبه کند و واژه‌نامه‌های تخصصی جای فرهنگ‌های چند جلدی را بگیرد. برای مثال، امروزه حجم اختصارات (abbreviations) آنقدر زیاد شده که آنها را در فرهنگی مستقل به چاپ می‌رسانند. اگر بخواهیم همهٔ آنها را در فرهنگ جامع بگنجانیم، جای زیادی از فرهنگ را اشغال می‌کند و اگر بخواهیم "مهمترین" آنها را انتخاب کنیم، باز ممکن است مراجعه کننده ناکام شود و مجبور شود به فرهنگ اختصارات مراجعه کند. این نکته، بخصوص در مورد اسامی اشخاص و اسامی تاریخی و جغرافیایی صادق است.

در جایی دیگر اشاره کرده‌ام که در سالهای اخیر در ایران فرهنگ نویسی، بخصوص تألیف فرهنگ‌های دوزبانه، وارد دوران جدیدی شده است. تحول واقعی وقتی آغاز می‌شود که عمل فرهنگ نویسی با نظریه توأم شود. در این صورت است که می‌توان فرهنگ‌ها را از صورتهای سنتی خارج کرد و آنها را در این عصر اطلاعات برای خواننده امروزی به ابزاری کارآمد تبدیل کرد. یکی از مهمترین اصول نظری فرهنگ نویسی ضرورت تعریف و تعیین دقیق مخاطب برای هر نوع فرهنگ و تشخیص نیازهای اوست. دیگر عصر فرهنگ‌های دوزبانه که برای برطرف کردن انواع نیازهای جستجوگران تألیف می‌شد به سر آمده است. نمی‌توان همهٔ نیازهای تحقیقاتی و آموزشی را

در یک فرهنگ پاسخ داد. مؤلف فرهنگ ۶ جلدی اظهار کرده است که این فرهنگ "مبتنی بر روش‌های جدید فرهنگ‌نویسی و آموزش زبان" است. در واقع مؤلف دو فرهنگ جامع و فرهنگ آموزشی را که هر کدام مخاطب‌های خاصی دارند، نیازهای متفاوتی را برطرف می‌کنند و بر اساس اصول نظری متفاوتی تألیف می‌شوند، در یک فرهنگ ادغام کرده است. (از هفت مرجع فرعی انگلیسی-انگلیسی که مؤلف در تهیه فرهنگ از آنها یاری گرفته، سه فرهنگ - لانگمن، کالینز و آکسفورد لرنر - آموزشی هستند.) فرهنگ دوزبانه جامع اساساً فهرستی از واژگان یک زبان و معادلهای آنها در زبان دیگر است، حال آنکه فرهنگ آموزشی که هدف آن رفع نیازهای زبان‌آموزان است نقش‌های متفاوتی به عهده دارد. فرهنگ آموزشی دوزبانه در مراحل اولیه یادگیری زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا وقتی دانش زبان آموز از زبان مقصد به حدی برسد که بتواند از فرهنگ تک‌زبانه استفاده کند، بدیهی است دیگر نیازی به فرهنگ دوزبانه ندارد. پس فرهنگ آموزشی دوزبانه نه فقط از جهت تعداد مدخلها بلکه از جهت نوع و کیفیت اطلاعاتی که درباره مدخل‌ها می‌دهد از فرهنگ جامع متمایز می‌شود. این اطلاعات زبان‌آموز را قادر می‌کند تا از طریق جملات مثال، کاربرد کلمات را بیاموزد به طوری که بتواند هم معانی کلمات را در متن درک کند و هم آنها را در جمله به کار بگیرد. فرهنگ دوزبانه آموزشی که بر یافته‌های تحقیقات رشته آموزش زبان و نیازهای آموزشی زبان‌آموزان مبتنی است پدیده‌ای جدید در فرهنگ‌نویسی بشمار می‌آید و جای چنین فرهنگی در میان فرهنگ‌های موجود خالی است. بحث درباره ویژگیهای فرهنگ آموزشی مجال دیگری می‌طلبد. در اینجا به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که با وارد کردن یک یا دو ویژگی به اصطلاح "آموزشی" در فرهنگ دوزبانه نمی‌توان آن فرهنگ را "آموزشی" نامید. اساساً یک فرهنگ چند جلدی که جای آن در قفسه یا روی میز است، چگونه می‌تواند فرهنگی آموزشی باشد که یکی از ویژگیهای آن "دستی" و "دم دست" بودن آن است.

در فرهنگ آموزشی جمله بر کلمه تقدم دارد زیرا هم بافت را تعیین می‌کند و هم انواع ویژگیهای نحوی کلمه را در کاربرد نشان می‌دهد. از آن گذشته در فرهنگ آموزشی، با توجه به هدف آن، جملات مثال برگرفته از گفتگوهای روزانه یا متون مطبوعاتی است و نقل قول‌های ادبی، هر چند هم که زیبا باشند، در آن جایی ندارند. البته در فرهنگ جامع - اعم از یک‌زبانه و دوزبانه - نیز گاه جملات مثال آورده می‌شود ولی هدف این جملات آن است که معنی کلمه و نه کاربرد کلمه را نشان بدهد و از این روست که در بسیاری از موارد جملات مثال کوتاه و یا اصلاً در حد بند (clause) و یا عبارت (phrase) است. در فرهنگ ۶ جلدی، جملات مثال بسیار زیادی بخصوص ذیل افعال آورده شده است. این جملات، که برخی از آنها نقل قولهای ادبی نیز هستند، نه برای تعریف معانی (senses) مختلف کلمه بلکه برای نشان دادن کاربرد معانی کلمات آمده است، زیرا در بسیاری از موارد معادل پیشنهادی آنقدر روشن است که اساساً نیاز به جمله مثال نیست (معلوم نیست چرا تمامی جملات مثال با حرف کوچک شروع شده‌اند). به مدخل زیر توجه کنید:

**create** (krē āt', krē'āt') adj., vt.  
-at' | ed, -at'ing

۱- آفریدن، خلق کردن، هست کردن  
God created the world خداوند جهان را آفرید.  
for they are created of the same essence

... که در آفرینش ز یک گوهرند  
۲- ایجاد کردن، به وجود آوردن، پدید آوردن  
some factories create smoke

برخی کارخانه‌ها دود ایجاد می‌کنند.  
his presence created many problems  
حضور او مسائل زیادی را به وجود آورد.

سر و صدا ایجاد کردن  
to create noise  
۳- عنوان (یا رتبه یا شغل یا قدرت) تازه اعطا  
کردن، گماشتن

to create one a judge  
کسی را به منصب قضاوت گماشتن

he was created lord at the age of sixteen

در شانزده سالگی به او عنوان لرد داده شد.  
۴- ابداع کردن، (کارهای هنری و فنی و غیره)  
ساختن، ابتکار به خرج دادن  
the statues which he has created are  
تندیس‌هایی که او ساخته بی‌نظیراند.  
unequaled  
the automatic apparatus created by the two  
scientists

دستگاه خودکاری که آن دو دانشمند ابداع کرده‌اند  
۵- (انگلیس - خودمانی) غرور لند کردن، سخت  
شکوه کردن، داد و بیداد کردن  
don't go near him while he's creating

تا داد و بیدادش تمام نشده نزدش نرو.  
۶- (قدیمی) مخلوق، بنده‌ی خدا، آفریده

وجود مثالهای متعدد و ترجمه آنها در فرهنگ ۶ جلدی، کار جستجو را دشوار می‌کند، با آنکه جملات مثال در این فرهنگ بسیار خوب ترجمه شده‌اند، اما این جملات که در فرهنگی آموزشی حُسن به شمار می‌آیند در فرهنگی جامع غیر ضروری جلوه می‌کنند، زیرا در فرهنگ جامع هدف در درجه اول، آوردن معادل برای کلمه و اگر نشد تعریف معنی کلمه است. به مدخل دیگری توجه کنید:

**bar.bar.i|an** (bār ber'ē ān) n., adj.

۱- (در اصل) غیر یونانی، غیر رومی، عجم،  
بَرَبَری، غیر مسیحی ۲- دارای تمدن بدوی،  
بی‌تمدن، وحشی

they were rough barbarians like the Mongols  
آنان مانند مغولان بی‌تمدن وحشی بودند.  
۳- آدم بی فرهنگ، بی معرفت، بی ادب،  
بی نزاکت

he used to say: anyone who dislikes Mozart is  
a barbarian

او می‌گفت: هر که از موتسارت خوشش نمی‌آید بی فرهنگ است.

۴- آدم سبع و خشن، ظالم، بیرحم، سنگدل  
bar.bar'ian.ism, n.

**bar.bar|ic** (bār ber'ik) adj.

۱- بربری، بی‌تمدن، بی فرهنگ، بدوی  
Mongols and their barbaric lives

مغولان و زندگی غیر متمدن آنان  
۲- وحشی، بیرحم، ظالم، مهار نشدنی  
how can you approve of the barbaric sport of  
hunting?

چطور می‌توانی با ورزش بی‌رحمانه‌ی شکار موافق باشی؟

**bar.bar'ically**, adv.

**bar.ba.rism** (bār'bə riz'əm) n.

۱- بربریت، بی‌تمدنی، بدویت، جاهلیت،  
نافرهیختگی

war is barbarism

جنگ بربریت است.

۲- رفتار خشن و ستمکارانه، بیرحمی، ظلم، سنگدلی ۳- (زبان شناسی) به کار بردن واژه‌ها یا عبارات‌های غلط، واژه یا عبارت غلط (از نظر کاربرد یا املا و غیره)، اشتباه لغوی  
modern advertising is replete with barbarisms  
آگهی‌های تجارتنی امروزی پُر است از اشتباهات لغوی.

**bar.bar.i|ty** (bär ber 'ä tē) n., pl.  
-|ties

۱- وحشیگری، رفتار غیرانسانی، خشونت شدید، شناعت، ستمکاری  
in that war, both sides were guilty of barbarity  
در آن جنگ هر دو طرف دست به وحشیگری زدند.  
۲- بی فرهنگی، کج سلیقگی، بی ادبی

در مدخل‌های فوق نیز تمامی جملات مثال و ترجمه‌های آنها از آن جهت که به درک معنی کلمه کمک نمی‌کنند زایدند (توجه کنید که در ترجمه‌ها، معادلهای کلمات همانهایی هستند که عیناً در تعریف آمده‌اند).

فرهنگ ۶ جلدی به عنوان فرهنگی جامع امتیازات برجسته‌ای دارد. یکی از مهمترین این امتیازات تنوع معادلهای پیشنهادی و از آن مهمتر تعاریف دقیق، ساده و روان مدخلهاست که به دقت از یکدیگر جدا شده‌اند و این بیانگر تسلط مؤلف بر زبان فارسی و آشنایی او با راه و رسم تعریف کردن است و در واقع اعتبار یک فرهنگ جامع هم در دقیق بودن معادلهای و روان بودن تعریفهای آن است. به دو مدخل زیر توجه کنید:

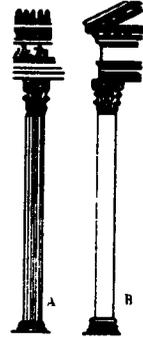
**boil|er.plate** (-plät ' ) n.

۱- ورقه‌ی آهن (برای ساختن دیگ بخار)  
۲- (روزنامه نگاری) مقاله و مطالب جا پرکن که در صورت نبودن خبر داغ در روزنامه چاپ می‌شود ۳- تکرار واضحات، نوشته یا گفته‌ی تکراری و بیات ۴- هر یک از فصول و بندهای یک سند قانونی و حقوقی

۴- (معماری یونان و روم) ستون کُرینتی (که بدنه‌ی آن باریک و دارای شیارهای طولی بود و

سرسطونی به شکل ناقوس وارونه داشت که با طرح برگ‌های آکانتوس تزئین شده بود)  
۵- آدم ثُـر و تمند

۶- ورزش دوست (و پولدار)، خیر نسبت به ورزشکاران و امور ورزشی ۷- دوستار قایق‌های تجملی (yacht)



**Co.rin.thi|an** (kə rin thē ən) adj., n.

۱- وابسته به شهر کُرینت (عربی: قرنت) و مردم و فرهنگ آن، کُرینتی، قرنتی ۲- تجمل - پرست و خوش‌گذران ۳- به سبک کُرینتی (که به طور دلپذیری پیچیده و پر جزئیات بود)

در خاتمه باید اذعان کرد که فرهنگ‌نویسی کاری دشوار و فرساینده است، بخصوص که فرهنگ، جامع باشد. آنچه گفته شد نه برای اظهار فضل بود و نه خدای نا کرده تخطئه‌کار مؤلف محترم که با هدف خدمت فرهنگی در تهیه این فرهنگ عظیم چند سالی عمر خود را صرف کرده‌اند. بنده خاضعانه به ایشان و همکارانشان تبریک و خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم این فرهنگ جای خود را در میان اهل تحقیق باز کند و آنچه گفته شد اگر بجاست مورد نظر قرار بگیرد. □